جلسه 109-461

**سه‌شنبه - 02/02/۹9**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

در رابطه با مسأله 27 در مطلب باقی مانده عرض کنم:

مطلب اول این است که ما که مثل مشهور عرض کردیم اگر کسی در اثناء نماز در سعه وقت مهری که داشته از دست بدهد، ‌کسی آن مهر را بردارد و برود، ‌باید نمازش را قطع کند برود مهر تهیه کند از نو نماز بخواند. این منافات ندارد با مطلبی که از روایت ابی بصیر استفاده می‌‌شود که اگر در وقت فضیلت متمکن از سجود بر زمین یا گیاهانی که از زمین روییدند نباشد می‌‌تواند بر ثوبش سجده کند، ‌اگر ثوبش ممکن نبود بر آن سجده کند بر پشت کف دستش سجده کند.

علی بن ابی حمزة نقل کرد از ابی بصیر از امام باقر علیه السلام که عرض کردم به ایشان اکون فی السفر فتحضر الصلاة و اخاف الرمضاء علی وجهی کیف اصنع. نماز ظهر و عصر شده ابوبصیر می‌‌گوید من می‌‌بینم هوا شدیدا گرم است بخواهم پیشانیم را روی زمین بگذارم پیشانیم می‌‌سوزد چه بکنم؟ حضرت فرمود بر ثوبت سجده کن، تسجد علی بعض ثوبک. عرض کردم لیس علیّ ثوب یمکننی ان اسجد علی طرفه و لاذیله قال اسجد علی ظهر کفک. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 351.

کسانی که سند این روایت را قبول دارند و از ناحیه قاسم بن محمد جوهری یا علی بن ابی حمزة بطائنی این حدیث را تضعیف نمی‌کنند که ما هم بعید ندانستیم این مطلب را، مفاد این روایت این است که در وقت فضیلت نماز ظهر و عصر اگر ممکن نبود سجده بر زمین می‌‌تواند سجده کند بر ثوبش. چون اگر صبر می‌‌کرد تا گرمای شدید هوا کم می‌‌شد، قبل از غروب آفتاب می‌‌توانست نماز ظهر و عصرش را بخواند بر زمین، ‌گرمای شدید زمین هم که برطرف شده بود اما حضرت این را واجب ندانستند.

مطلب دوم این است که آقای سیستانی که فرمود اگر بعد از نماز مهرش را انسان از دست بدهد، ‌ما یصح السجودش را از دست بدهد با قاعده السنة لاتنقض الفریضة که در ذیل حدیث لاتعاد است می‌‌شود این نماز را تصحیح کرد. تفصیلی هم در فتاوای‌شان ندادند بین این‌که قبل از رکوع رکعت اول باشد یا بعد از آن. و لکن در تقریر بحث‌شان فرمودند ما بعد از رکوع رکعت اول قاعده السنة لاتنقض الفریضة را اجراء می‌‌کنیم چون اولین فریضه‌ای که در نماز است رکوع است، فریضه آن چیزی است که در قرآن آمده، در قرآن تکبیرة الاحرام نیامده، ‌حمد و سوره نیامده، رکوع آمده.

این مطلب ایشان غیر از این‌که با فتاوای ایشان نمی‌سازد مطلب قابل قبولی هم نیست. چون شما چرا فریضه را بر رکوع تطبیق می‌‌کنید؟ می‌‌فرمایید که تا رکوع نکرده باشد فریضه‌ای از او محقق نشده که بگوییم السنة لاتنقض الفریضة. خب فریضه را بر کل نماز تطبیق کنید. صلات صبح فریضه است، صلات ظهر فریضه است. اتفاقا در صدر این السنة لاتنقض الفریضة تعبیر بود لاتعاد الصلاة الا من خمس و ظاهرش این است که فریضه را بر صلات تطبیق کرده. خب ما اگر و لو هنوز داخل در رکوع نشدیم الله اکبر که گفتیم بفهمیم مهر نداریم یا مهرمان را کسی بردارد و برود، اگر واجب باشد که ما سجده بر مهر کنیم مطلقا و بخشیده نشود شرطیت سجود بر ما یصح السجود علیه این معنایش بطلان این صلات فریضه است چون این صلات فریضه قابل تصحیح نیست و این خلاف السنة لاتنقض الفریضة خواهد بود. البته ما این کبری را قائل نشدیم که در موارد اضطرار تطبیق می‌‌شود اما آقای سیستانی که تطبیق کردند فرق نمی‌کند قبل از رکوع باشد بعد از رکوع باشد.

## مسأله 28: سجده جاهل

مسأله 28: اذا سجد علی ما لایجوز باعتقاد انه مما یجوز فان کان بعد رفع الرأس مضی و لاشیء علیه و ان کان قبله جر جبهته ان امکن و الا قطع صلاته فی السعة. صاحب عروه فرموده اگر کسی سجده کند بر چیزی که سجده بر آن صحیح نیست ولی او معتقد بود که سجده بر این صحیح است فکر می‌‌کرد این چیزی که بر او سجد کرده است مصداق ما یصح السجود علیه است سر از سجود برداشت دید نخیر مصداق ما یصح السجود علیه نیست. مثلا مهری که روی آن چرک شده چرکی که از اجزاء خاک نیست. صاحب عروه فرموده چون بعد از سر برداشتن از سجده متوجه شده سجده‌اش صحیح است ولی اگر در اثناء سجده متوجه می‌‌شد اگر ممکن بود باید پیشانیش را می‌‌کشاند بر چیزی که سجود بر آن صحیح است ولی اگر امکان جر جبهه نبود تنها راه این بود که سر از سجده بر دارد سرش را دومرتبه بگذارد روی چیزی که سجده بر آن صحیح است نمازش باطل است اگر در سعه وقت باشد بله اگر در ضیق وقت باشد نمازش را به همین نحو تمام می‌‌کند.

در این بحث باید مبانی مسأله روش بشود:

یک وقت مبنای ما مبنایی است که به مشهور نسبت داده شده که اساسا وضع جبهه بر چیزی که سجود بر آن صحیح است شرط سجود نیست؛ واجب در حال سجود است، ‌یک واجبی است که ظرفش سجود است، ‌مثل ذکر سجود. طبق این مبنا ما اگر سر از سجده برداریم متوجه بشویم که این واجب را در ضمن سجود رعایت نکردیم محل این واجب دیگر گذشته، اگر شارع نبخشد تنها راه این است که نماز را اعاده کنیم، ‌این هم خلاف حدیث لاتعاد است. شبیه این‌که بعد از سر برداشتن از سجده یادمان بیاید ذکر سجده را نگفتیم که بلااشکال حدیث لاتعاد جاری می‌‌شود چون اگر ما بگوییم یک سجده دیگر می‌‌کنیم ذکر واجب را در او می‌‌گویم خب آن ذکر واجب در محل خودش آورده نشده این سجده زایده است در این سجده زایده که ذکر سجود واجب نیست.

اما این مبنا خلاف ظاهر ادله است. این‌که در صحیحه هشام فرموده لایجوز السجود الا علی الارض او ما انبتته الارض الا ما أکل أو لبس ظاهرش ارشاد به شرطیت در خود سجود است. یا صحیحه فضل بن عبدالملک لاتسجد الا علی الارض او ما انبتته الارض این ظاهرش این است که سجود ماموربه این سجود خاص است. وقتی پذیرفتیم که سجود شرعی ماموربه سجود علی ما یصح السجود علیه است، بعد از سربرداشتن از سجده اگر بفهمیم سجده بر چیزی کردیم که سجود بر آن صحیح نبوده پس ما سجود شرعی را امتثال نکردیم، ‌اتیان نکردیم. باید این‌جا برویم سراغ حدیث لاتعاد. در این مسأله آن وق اقوالی است:

یک قول قولی است که آقای خوئی در مقام اختیار کردند، فرمودند: اگر این شخص بفهمد سجده واحده را بر چیزی سجده کرده که لایصح السجود علیه این سجده را اعاده کند چون از اعاده آن مشکلی به وجود نمی‌اید، بطلان نماز پیش نمی‌اید. حدیث لاتعاد جایی مطرح می‌‌شود که اگر جاری نشود حدیث لاتعاد محکوم به بطلان است اما اگر سجده واحده‌ای که بجا آوردیم و بر ما یصح السجود علیه نبود باطل باشد، خب اعاده می‌‌کنیم سجده واحده را. فوقش این مسلتزم زیاده آن سجده قبلی است که بر ما یصح السجود علیه بود، او هم که زیاده عمدیه نبوده و زیاده غیر عمدیه سجده واحده معفو است طبق روایات خاصه‌ای که داریم: من نسی فزاد سجدة امام فرمود لاتعاد الصلاة من سجدة. ولی این آقا بفهمد که هر دو سجده‌اش بر ما لایصح السجود علیه بود، در این صورت ایشان فرموده است: یک وقت قبل از دخول در رکوع می‌‌فهمد یک وقت بعد از دخول در رکوع. اگر قبل از دخول در رکوع بفهمد، ایشان فرموده‌اند چون از تدارک یک سجده مشکلی به وجود نمی‌اید، بر می‌‌گردد یک سجده را تدارک می‌‌کند. ولی اگر بخواهد دو سجده را تدارک کند، ‌زیاده رکن پیش می‌اید چون مجموع دو سجده رکن است. اگر بخواهد دو سجده را اعاده کند می‌‌شود زیاده سجدتین در یک رکعت و این زیاده رکن است و مبطل نماز است. و لذا برای این‌که نماز باطل نشود حدیث لاتعاد می‌اید می‌‌گوید سجده اولت صحیح است نیاز به اعاده ندارد، ‌سجده دو را اعاده کند چون از اعاده او مشکلی پیش نمی‌اید، می‌‌شود سه تا سجده، یک سجده می‌‌شود زیادی آن هم زیادی سهویه است که او هم مبطل نماز نیست.

بله، اگر بعد از دخول رکوع ملتفت بشود، آن‌جا هر دو سجده‌اش صحیح است، چون دیگه محل تدارک هر دو سجده گذشته و حدیث لاتعاد اگر جاری نشود این نماز محکوم به بطلان می‌‌شود و لذا حدیث لاتعاد موضوع پیدا می‌‌کند و همین‌طور است اگر بعد از دخول در رکوع ملتفت بشود که یک سجده‌اش بر چیزی بوده که لایصح السجود علیه، دیگه محل تدارک او گذشته و حدیث لاتعاد می‌اید و نماز او را تصحیح می‌‌کند.

اما مرحوم آقای خوئی در موسوعه جلد 15 صفحه 141 از این نظر برگشته. فرموده: این نظر مبتنی بر این بوده که ما بگوییم حدیث لاتعاد اخلال به شرائط سجود را شامل می‌‌شود و نماز را تصحیح می‌‌کند با اخلال به شرائط سجود. اما به نظر ما این جور آمده که بگوییم نخیر، ظاهر حدیث لاتعاد الصلاة الا من خمس الوقت و القبلة و الطهور و الرکوع و السجود این است که مستثنی سجود شرعی است. کسی که اخلال به سجود شرعی در نماز، یعنی اخلال به سجود جامع شرائط در نماز بکند، مشمول حدیث لاتعاد نیست. و لذا ایشان فتوی داده اگر کسی هر دو سجده‌اش بر مکان نجس بوده، بعد از نماز بفهمد نمازش را باید اعاده کند چون اخلال به سجود شرعی کرده.

طبق این مبنا ایشان فرمودند: بنابراین اگر بعد از رکوع ملتفت بشود که هر دو سجده‌اش بر ما لایصح السجود علیه بوده نمازش محکوم به بطلان است. چون اخلال کرده به دو سجده شرعیه در یک رکعت. اگر بعد از رکوع بفهمد که یک سجده‌اش بر ما لایصح السجود علیه بوده او طبق روایاتی که می‌‌گوید لاتعاد الصلاة الا من سجدتین که در مورد نسیان سجده هم آمده این تعبیر بخاطر ترک سجده واحده شرعیه در یک رکعت، ‌نماز محکوم به بطلان نخواهد بود. اما اگر قبل از دخول در رکوع متوجه بشود، ببینیم این آقا یک سجده را بر چیزی که سجده بر آن صحیح نیست بجا آورده یا دو سجده را. اگر یک سجده را اینگونه بجا آورده، آن سجده را تدارک می‌‌کند و مشکلی ندارد. فوقش می‌‌شود زیاده سجده واحده که از روی نسیان و عذر بوده که آن سجده قبلی که بر ما لایصح السجود علیه بود آن می‌‌شود زیاده سهویه سجود. و اما اگر متوجه بشود که هر دو سجده‌اش بر ما لایصح السجود علیه بوده این نماز قابل تصحیح نیست باید نماز را قطع کند یک نماز دیگر بخواند. چرا؟‌ برای این‌که اگر بخواهد هر دو سجده را تدارک کند می‌‌شود چهار سجده. دو سجده آخری که واجد شرائط بوده آن دو سجده اولی که بر ما لایصح السجود علیه بوده دو سجده عرفی بوده و در مانیعت و مبطلیت دو سجده در یک رکعت فرق نمی‌کند آن دو سجده زایده واجد شرائط شرعیه سجود باشد یا واجد شرائط شرعی سجود نباشد. چون ایشان فرموده‌اند: ما از برخی از روایات استفاده کردیم که سجده قرائت آیه سجده در نماز زیاده مبطله در نماز است با این‌که سجده بعد از قرائت آیه سجده که مشروط به شرائط سجود صلاتی نیست. پس زیاده سجده عرفیه عمدا اگر باید یکیش هم مبطل است اگر سهوا باشد دو تایش در یک رکعت مبطل است.

بعضی‌ها ممکن است بگویند: ما یک راه حل وسطی را ارائه می‌‌دهیم یک سجده را اعاده کند، می‌‌شود با دو سجده دیگر سه سجده، زیاده یک سجده که بر ما لایصح السجود علیه بوده چون عمدی نبوده مبطل نیست. می‌‌ماند این‌که بگویید سجده ثانیه صحیحه را بر ما یصح السجود علیه بجا نیاوردی فقط یک سجده واحده کردی بر ما یصح السجود علیه، ترک یک سجده واحده از روی عذر که مبطل نماز نیست. پس یک سجده را تدارک می‌‌کند یک سجده را تدارک نمی‌کند.

مرحوم آقای خوئی فرموده این حرف‌ها درست نیست. در محل سجده شما می‌‌خواهید سجده ثانیه شرعیه را ترک کنی؟ از روی عمد؟ این‌که مشمول حدیث لاتعاد نیست. فقط بهانه شما این است که می‌‌گویی اگر من سجده ثانیه شرعیه را هم تدارک کنم زیاده دو سجده در یک رکعت لازم می‌اید چو می‌‌شود چهار سجده‌، این‌که کافی نیست برای این‌که شما مشمول حدیث لاتعاد بشوی شما در عمل، ‌در محل داری ترک می‌‌کنی ترک می‌‌کنی سجده ثانیه را شما که مشمول حدیث لاتعاد نیستی.

این محصل فرمایش مرحوم آقای خوئی است.

ما در حدیث لاتعاد گفتیم ظاهرا اخلال به شرائط شرعی سجود مشمول حدیث لاتعاد است. و لذا اگر این شخص بعد از رکوع بفهمد که دو سجده‌اش بر ما لایصح السجود علیه بوده نمازش محکوم به صحت است. اگر قبل از دخول در رکوع بفهمد که دو سجده‌اش بر ما لایصح السجود علیه بوده همان‌طور که آقای خوئی در همین بحث مورد ما قبلا می‌‌فرمودند نسبت به سجده اولی حدیث لاتعاد جاری می‌‌شود چون اگر حدیث لاتعاد نسبت به او جاری نشود نماز محکوم به بطلان می‌‌شود ولی سجده ثانیه را تدارک می‌‌کنیم و همین‌طور اگر بفهمد یک سجده‌اش بر ما لایصح السجود علیه بوده او را هم تدارک می‌‌کند.

آقای سیستانی در ایجا مطلبی دارند او را هم عرض کنیم بحث را تمام کنیم.

آقای سیستانی فرمودند ما السنة لاتنقض الفریضة را راجع به خود سجده پیاده می‌‌کنیم. این سجده فرض الله است در قرآن بیان شده، فرض الله یعنی آنی که تقدیر خداست و اندازه‌گیری خداست در قرآن، سجده در قرآن تقدیر و اندازه‌گیری شده. ما السنة لاتنقض الفریضة‌ را راجع به سجده بیان می‌‌کنیم. می‌‌گوییم شرط این‌که سجده بر ما یصح السجود علیه باشد این سنت است، ‌ذات سجده فریضه است، اخلال به این شرط سجده اگر از روی عذر بود مبطل سجده نیست، و لو بعد از سجده واحده، بالاتر، قبل از رفع رأس از سجده اگر ملتفت بشوید که این مهر ما لایصح السجود علیه بود، اطلاق دلیل می‌‌گوید سنت آنی که در غیر قرآن بیان شده، شرط فریضه است فقط در حال التفات و عمد، در حال عذر شرط نیست. شما هم در حال عذر در حال نسیان یا در حال اعتقاد به این‌که این چیز ما یصح السجود علیه است سجده را شروع کردید. و لو هنوز سرتان را بر نداشتید، اما بعد از این‌که ملتفت شدید می‌‌گویید تا حالا که شرط سجده نبوده که بر ما یصح السجود علیه باشد چون در آن حال من غافل بودم معذور بودم، بعد از این هم که ذکر واجب تمام شده حالا می‌‌خواهم سر بردارم.

انصافا این فرمایش تمام نیست:

اولا: ظاهر السنة لاتنقض الفریضة این است که تطبیق شده بر نماز و نتیجه‌گیری شده لاتعاد الصلاة، هر کجا از عدم جریان حدیث لاتعاد اعاده نماز لازم بیاید حدیث لاتعاد جاری می‌‌شود. بعد از رفع رأس از سجده واحده بگویند این سجده واحده بر ما لایصح السجود علیه بود سجده را اعاده کن این‌که موجب اعاده نماز نیست.

ثانیا: چرا قبل از رفع رأس تطبیق کردید این قاعده را بر سجده؟ مگر از شرطیت این‌که سجده بر ما یصح السجود علیه باشد در این حال که قبل از رفع رأس از سجده من ملتفت شدم، انتقاض سجده لازم می‌اید؟ السنة لاتنقض الفریضة در جایی است که اگر این حدیث نبود، فریضه منتقض می‌‌شد، ‌باطل می‌‌شد، این سجده واحده قبل از رفع رأس است، بکش به طرف آنی که یصح السجود علیه ، سجده ات صحیح می‌‌شود. از شرطیت این‌که وضع جبهه بر ما یصح السجود علیه باشد در این سجده قبل از رفع رأس که دیگه انتقاض سجده لازم نمی‌اید تا السنة‌ لاتنقض الفریضة را ما تطبیق کنیم. و لذا این فرمایش آقای سیستانی تمام نیست.

حالا یک بحثی در این‌جا است که کسی که قبل از رفع رأس متوجه بشود که پیشانیش بر چیزی است که سجده بر آن صحیح نیست، اگر می‌‌تواند بکشد پیشانیش را به چیزی که سجده بر آن صحیح است یا مثل خانمی که چادرش فاصله شده بین پیشانیش و مهرش، آن قسمت چادر را بکشد، این کافی است؟ که مشهور می‌‌گویند یا نه، ‌باید سرش را بردارد از مهر و دومرتبه سجده کند که نظر آقای خوئی است. این یک بحثی است که ان‌شاءالله در احکام سجود بحث می‌‌کنیم که آیا نظر مشهور درست است که در برخی از روایات آمده، ‌مثل این روایت صحیحه معاویة بن عمار اذا وضعت جبهتک علی نبکة یعنی مکان مرتفع، ‌فلاترفعها و لکن جرّها علی الارض. وسائل الشیعة جلد 6 صفحه 353.

مرحوم آقای خوئی فرمودند این روایت در مورد خاصی است مکان مرتفع، به آن ملتزم می‌‌شویم. علی القاعدة چون ظاهر دلیل اسجد علی ما یصح السجود علیه لزوم احداث سجود بر ما یصح السجود علیه است، ما پیشانی‌مان را بکشیم به جایی که سجود بر آن صحیح است این احداث سجود بر ما یصح السجود علیه نیست. این بحثی است که ان‌شاءالله در احکام سجود این را دنبال می‌‌کنیم.

بحث در این‌جا تمام شد. ان‌شاءالله بحث در احکام مسجد بعد از تعطیلات ماه رمضان خواهد بود. همه شما را به خدا می‌‌سپاریم.

اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلوتک علیه و علی آباءه فی هذه الساعة و فی کل ساعة ولیا و حافظا و قائدا و ناصرا و دلیلا و عینا حتی تسکنه ارضک طوعا و تمتعه فیها طویلا و صلی الله علیه محمد و آله الطاهرین.